

گزارش «ایران» از سخنرانی حمید پارسانیا در دانشگاه فارابی قزاقستان

فارابی؛ صدای زنده عقلانیت ایرانی

ظرفیت‌های معرفتی «معلم ثانی» برای حل مسائل جهان مدرن

فلسفه اسلامی

احسان محمودی
گروه اندیشه

فارابی بیش از هزار سال پس از شکل‌گیری اندیشه‌هایش، همچنان در متن مباحث فلسفی و فرهنگی جهان اسلام حضور دارد؛ حضوری که از منظر دکتر حمید پارسانیا، استاد علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران، ریشه در توانایی این متفکر برای صورت‌بندی الگویی جامع از عقلانیت و ایجاد پیوند میان سنت‌های گوناگون معرفتی دارد. پارسانیا در کنفرانس بین‌المللی فارابی که در محل دانشگاه فارابی قزاقستان برگزار شد سخنرانی با موضوع «فارابی در تعاملات فرهنگی و تمدنی معاصر» ارائه کرد و در آن میراث «معلم ثانی» را ظرفیتی زنده برای مواجهه علمی با جهان امروز دانست؛ ظرفیتی که می‌تواند در گسترش گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی نقش‌آفرین باشد. ایده محوری او در این سخنرانی، تبیین جایگاه عقل در فلسفه فارابی و نشان‌دادن ظرفیت‌های معرفتی آن برای فهم نسبت انسان، جهان و حقیقت بود. در این منظومه، عقل انسانی با حقیقتی متعالی پیوند دارد و از رهگذر این ارتباط به مراتب گوناگون معرفت راه می‌یابد. چنین برداشتی از عقل، بنیان نگرشی فراگیر به علم فراهم می‌کند که «دانش تجربی»، «معرفت عقلی» و «شناخت متافیزیکی» را در منظومه‌ای مرتبط و معنادار جای می‌دهد.

ویژگی‌های دستگاه فلسفی فارابی

حمید پارسانیا با یادآوری جایگاه فارابی به‌عنوان معلم ثانی و از مؤسسان فلسفه اسلامی، بر شیوه خلاقانه مواجهه او با میراث فکری یونان و سنت‌های معرفتی زمانه‌اش تأکید کرد. فارابی از خلال این تعامل، دستگاه فلسفی تازه‌ای قوام بخشید که در آن ظرفیت‌های معرفتی سنت‌های حدیثی، عرفانی، کلامی و عقلی در افقی هماهنگ قرار گرفتند. پارسانیا در توصیف این دستاورد می‌گوید «فارابی عقلانیتی را شکل داد که جمعی سالم بین قرآن، برهان و عرفان داشت». اهمیت این رویکرد در آن است که عقلانیت را به مجموعه‌ای از استدلال‌های مفهومی محدود نمی‌کند، بلکه آن را در ارتباط با ساحت‌های مختلف معرفت انسانی و حقیقت هستی تبیین می‌کند. این نگاه، اساس استمرار سنت فلسفی فارابی در تاریخ اندیشه اسلامی شد. جریان‌های «مشایی»، «اشراقی» و «صدرایی» هر یک در امتداد راهی شکل گرفتند که او هموار کرده بود. ابن‌سینا، شیخ اشراق، ابن‌رشد، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌عربی، میرداماد و ملاصدرا از جمله متفکرانی هستند که در مناظرات فلسفی خود به تعمیق و گسترش این میراث یاری رساندند.

این استاد دانشگاه تهران، برای توضیح ژرفای این استمرار، به عبارتی از علامه طباطبایی اشاره کرد که آیت‌الله جوادی آملی آن را نقل کرده است: «ابن‌سینا و ملاصدرا اگر با یکدیگر ممزوج شوند، فارابی می‌شود.» این تعبیر، فارابی را همچون نقطه تلاقی ظرفیت‌های گوناگون فلسفه اسلامی تصویر می‌کند؛ متفکری که میراث او در اندیشه فیلسوفان پس از خود بازتاب یافته و در عین حال، زمینه طرح پرسش‌های تازه را فراهم آورده است.

> حکمت نوصدرایی در ایران امروز، از یک سو میراث‌دار مسیر فارابی است و از سوی دیگر، با تکیه بر همان بنیان‌ها در گفت‌وگو با جریان‌های فکری معاصر مشارکت می‌کند. به این اعتبار، فارابی را می‌توان یکی از محورهای زنده عقلانیت در جهان اسلام و حلقه‌ای مؤثر در تعاملات بینافرهنگی دانست

مراتب عقل در فلسفه فارابی

بنیادی‌ترین بخش تحلیل پارسانیا به تبیین جایگاه عقل و مراتب آن در فلسفه فارابی اختصاص داشت. در این دستگاه فکری، عقل انسانی با حقیقتی متعالی و فراگیر به نام عقل ارتباط برقرار می‌کند؛ حقیقتی که با شمول وجودی خود اجزای محدود و متکثر عوالم را در کلیتی فراگیر جای می‌دهد و زمینه فعلیت‌یافتن ادراکات علمی انسان را فراهم می‌آورد.

این استاد فلسفه اسلامی در توضیح این مبنا گفت: «عقل انسانی در اثر ارتباط و اتصال با این حقیقت عقلانی به مراتب مختلف معرفت علمی، اعم از علوم تجربی و تجریدی راه می‌یابد.» بر این اساس، عقل انسانی در مسیر تکامل معرفتی خود از مرتبه «قوه» به «فعلیت» حرکت می‌کند و امکان دستیابی به سطوح عالی‌تر شناخت را به دست می‌آورد. در این منظومه، عقل فعال جایگاهی محوری دارد و ارتباط با آن عالی‌ترین مرتبه تحقق عقل انسانی را رقم می‌زند. به تعبیر پارسانیا، «عالی‌ترین مرتبه ارتباط به تعبیر فارابی در اثر اتصال با عقل فعال پدید می‌آید و انسان در این صورت صاحب عقل مستفاد می‌شود.»

این تبیین از عقل، پیامدهای مهمی برای فهم علم و شناخت انسانی دارد. عقل در فلسفه فارابی، بنیان و افقی فراگیر برای مراتب مختلف معرفت است و دانش تجربی نیز در نسبت با این بنیان معنا پیدا می‌کند. از همین‌رو، علم در این منظومه، افزون بر شناخت پدیده‌های طبیعی و محسوس، شناخت ارزش‌ها، غایات زندگی، سعادت و شقاوت انسان و آغاز و انجام حیات او را نیز دربرمی‌گیرد.

پارسانیا همچنین یادآور می‌شود که بخش مهمی از تاریخ فلسفه اسلامی پس از فارابی به تبیین چگونگی اتصال انسان با حقایق عقلی و بررسی نسبت عقل فعال با مراتب قوای حسی و خیالی اختصاص داشته است. این موضوع، گستره نظریه شناخت در فلسفه اسلامی را نشان می‌دهد؛ نظریه‌ای که در آن ساحت‌های حسی، خیالی و عقلی در مسیر شکل‌گیری معرفت انسانی با یکدیگر ارتباط دارند و فیلسوفان پس از فارابی ابعاد مختلف این ارتباط را بررسی و تعمیق کرده‌اند.

کاربرد عقلانیت فارابی برای گفت‌وگو با جهان مدرن

پارسانیا بحث مراتب عقل را در نسبت با تحولات فرهنگی و معرفتی جهان مدرن قرار می‌دهد. به اعتقاد او، نوع و سطح عقلانیت و علم از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش هر فرهنگ و تمدن است. او با بهره‌گیری از آرای ماکس وبر توضیح می‌دهد که تمدن مدرن بر گسترش عقلانیت معطوف به اهداف دنیوی و علوم ابزاری استوار شده است؛ وضعیتی که وبر در کتاب «دانشمند و سیاستمدار» در سال ۱۹۱۹ به تحلیل آن پرداخته است.

این استاد حوزه و دانشگاه، در توضیح تحولات تاریخی این عقلانیت، به سه جریان مهم اشاره کرد: «تجربه‌گرایی» با اندیشه‌های بیکن، لاک، برکلی و هیوم؛ «عقل‌گرایی مدرن» در بستر آرای دکارت و کانت؛ و «جریان‌های نوکانتی و پسامدرن» که معرفت علمی را با ابعاد تاریخی، فرهنگی و بیناذهنی پیوند می‌دهند. در تحلیل او، یکی از ظرفیت‌های سنت فارابی برای گفت‌وگو با این جریان‌ها، تبیین نسبت معرفت تجربی با مبانی عقلانی و شهودی آن است.

پارسانیا در همین چارچوب، نامه امام خمینی(ره) به گورباچف را نمونه‌ای از حضور فعال میراث فلسفی فارابی در تعاملات تمدنی معاصر معرفی کرد. ارجاع امام خمینی(ره) به ابن‌سینا، شیخ اشراق و ابن‌عربی و تأکید بر اهمیت شناخت شهودی و مراتب عقل، از منظر پارسانیا نشان‌دهنده ظرفیت فلسفه اسلامی برای ارائه افقی گسترده از معرفت است. این رویکرد، علم تجربی را در پیوند با مبانی عقلی آن تبیین می‌کند و برای شناخت متافیزیکی و شهودی نیز جایگاهی بنیادین در نظر می‌گیرد.

اهمیت این میراث برای ایران معاصر نیز در تداوم حکمت نوصدرایی و مواجهه فعال آن با جریان‌های فکری جهان جدید آشکار می‌شود. پارسانیا معتقد است حکمت نوصدرایی در ایران امروز، هم خود را وامدار فارابی می‌داند و هم مواجهات فرهنگی و تمدنی خود را در رقابت‌های سازنده علمی با جهان مدرن بر همین پایگاه سامان می‌بخشد. به این اعتبار، بازخوانی سنت فلسفی فارابی می‌تواند زمینه حضور مؤثرتر اندیشه ایرانی و اسلامی را در گفت‌وگوهای علمی و تمدنی معاصر فراهم کند.

نشانه‌های ورود حوزه به دنیای جدید

تأمل



مهراب صادق‌نیا
استاد جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه ادیان و مذاهب

«ارتباطات میان‌فرهنگی»، «فقه محیط زیست»، «فقه اجتماعی»، «قرآن و کتاب مقدس»؛ اینها برخی از عنوان‌های درسی طلبه‌های حوزه‌های علمیه است که چند سالی است توفیق تدریس آنها را دارم. درس‌هایی از این دست در سرفصل‌های آموزشی طلبه‌ها کم نیستند. عنوان‌های جذابی که نشانه چیزی فراتر از یک تغییر ساده در برنامه آموزشی طلبه‌هاست. این درس‌ها نشانه یک تغییر پارادایم و تقلا برای پاسخگویی به اقتضائات جهان معاصر است. نشانه عبور حوزه از دیوارهای مدرسه و ورود به جهان نو شونده‌ای است که هر روز پیچیده‌تر می‌شود.

از دریچه جامعه‌شناسی آموزش و جامعه‌شناسی دین، وجود درس‌هایی چون «فقه اجتماعی» و یا «فقه محیط زیست» گویای این حقیقت است که نهاد اجتهاد و فقاهت به این خودآگاهی رسیده که دین اسلام برای ساختارها، نهادهای کلان اجتماعی، روابط قدرت، عدالت توزیعی و نظامات سیاسی و مدنی حرفی برای گفتن دارد. این یعنی حرکت از «انسان انتزاعی تک‌افتاده» به سوی «انسانِ در بستر اجتماع و ساختار» و گذر به «فقه اجتماعی». از سوی دیگر، وجود این درس‌ها به معنای علاقه حوزه علمیه به مواجهه با بحران‌ها و دغدغه‌های نوپدید جهان سکولار و بازیگری در این جهان است. برخی از مسائل تا چند دهه پیش، مسأله فقه و اللهیات محسوب نمی‌شدند، چون یا ابعاد بحرانی نداشتند یا به چشم نمی‌آمدند؛ ولی حالا، بحران اکولوژیک، گرمایش زمین، نابودی منابع طبیعی و حیوانات به مسأله حوزه و دین تبدیل شده‌اند. ورود حوزه به این عرصه نشان می‌دهد که قرار نیست دین نسبت به بقای کره زمین و بحران‌های زیست‌محیطی انسان امروز بی‌تفاوت بماند؛ بلکه به دنبال استخراج نظام‌واره‌ای از اخلاق و احکام محیط زیستی از درون منابع اسلامی است.

از سوی دیگر، وجود این درس‌ها در سرفصل آموزشی طلبه‌ها، نشانه ورود حوزه علمیه به میدان گفت‌وگوی جهانی و بین‌فرهنگی است. طلبه امروز نمی‌تواند در فضایی گلخانه‌ای و بدون شناخت «دیگری» زندگی کند. امروزه در حوزه علمیه از درک ضرورت «جامعه‌پذیری جهانی» و کارآمدی در عرصه تبلیغ و ارتباطات بین‌المللی سخن می‌گویند. هرچند فاصله زیادی میان تدریس این دروس در کلاس‌ها تا نهادینه‌سازی کامل نتایج آنها در بدنه فکری و عملی جامعه وجود دارد، اما همین که این مفاهیم به متن رسمی آموزش حوزه‌های علمیه راه یافته‌اند، نشان می‌دهد که ذهنیت حوزوی از «انتزاع صرف» به سوی «مسأله‌مندی و جامعه‌نگری» در حرکت است.

اطلاع رسانی

گزارش

حمیرا عزیزی، امین محمودی

ایران گزارش می‌دهد؛

از جیب خانواده تا تخت بیمارستان؛ صورتحساب سنگین سیگار

یک پاکت سیگار، چند دقیقه مصرف و مبلغی که هر روز از جیب پرداخت می‌شود؛ شاید در نگاه نخست، هزینه‌ای معمولی در میان مخارج روزانه باشد.

اما وقتی خرید سیگار به عادتی تکرارشونده تبدیل می‌شود، حساب‌وکتاب آن از چند اسکناس روزانه فراتر می‌رود. بخشی از درآمد ماهانه خانواده به خرید محصولی اختصاص پیدا می‌کند که نه‌تنها بازده اقتصادی ندارد، بلکه می‌تواند در سال‌های آینده هزینه‌های سنگین درمان، کاهش توان کاری و مراقبت از بیمار را نیز به خانواده تحمیل کند.

دخانیات از این منظر فقط یک مسئله بهداشتی نیست؛ موضوعی اقتصادی و اجتماعی است که پیامدهای آن از فرد مصرف‌کننده فراتر می‌رود و به همسر، فرزندان و حتی نظام سلامت کشور می‌رسد.

برای بررسی این موضوع کافی است هزینه خرید سیگار را در یک خانواده فرضی محاسبه کنیم. فرض کنیم یکی از اعضای خانواده روزانه یک پاکت سیگار مصرف می‌کند و قیمت هر پاکت را برای این محاسبه ۱۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم. در چنین شرایطی، هزینه روزانه به ۱۰۰ هزار تومان، هزینه ماهانه به سه میلیون تومان و هزینه سالانه به ۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد.

اگر این فرد روزانه نصف پاکت مصرف کند، باز هم در پایان سال ۱۸ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان برای خرید سیگار هزینه خواهد کرد. در خانواده‌ای که دو نفر هر کدام روزانه یک پاکت سیگار مصرف می‌کنند، این رقم سالانه به ۷۳ میلیون تومان افزایش پیدا می‌کند.

این در حالتی است که این مبلغ می‌توانست بخشی از هزینه خوراک، آموزش فرزندان، پوشاک، درمان یا پس‌انداز خانواده را تأمین کند.

اما ماجرا به پولی که برای خرید پاکت سیگار پرداخت می‌شود محدود نیست، بخش مهم‌تر هزینه دخانیات زمانی آشکار می‌شود که پیامدهای جسمی و اقتصادی مصرف آن بررسی شود.

خسارت اقتصادی دخانیات؛ ضربه به پیکره اقتصاد مقاومتی

از منظر اقتصادی، مصرف دخانیات یک تراژدی ملی است؛ سالانه مبالغ هنگفتی از ارز کشور صرف واردات مواد اولیه یا قاچاق محصولات دخانی می‌شود و از سوی دیگر، دولت مجبور است چندین برابر درآمد حاصل از مالیات بر سیگار را صرف درمان بیماری‌های ناشی از آن در بیمارستان‌های دولتی و تأمین داروهای خاص کند.

هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم دخانیات، از جمله از کارافتادگی نیروهای جوان، غیبت‌های ناشی از بیماری و کاهش بهره‌وری در محیط‌های کاری، ضربه‌ای مهلک به پیکره اقتصاد مقاومتی وارد می‌کند که جبران آن به سادگی امکان‌پذیر نیست و بودجه‌هایی که باید صرف توسعه زیرساخت‌ها شود، در ریه‌ها دود می‌شود.

از ریه تا قلب؛ پیامدهایی که به‌تدریج آشکار می‌شوند

یکی از مهمترین پیامدهای شناخته‌شده مصرف دخانیات، آسیب به دستگاه تنفسی است. دود سیگار ترکیبات شیمیایی متعددی دارد که می‌توانند به بافت ریه آسیب برسانند و خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن تنفسی و انواع سرطان، به‌ویژه سرطان ریه، را افزایش دهند.

سرفه‌های مکرر، تنگی نفس هنگام فعالیت، کاهش توان جسمانی و عفونت‌های تنفسی می‌توانند از نشانه‌هایی باشند که در برخی مصرف‌کنندگان دیده می‌شوند. مشکل اینجاست که بسیاری از افراد این علائم را به خستگی، تغییر فصل یا شرایط کاری نسبت می‌دهند و تا زمانی که اختلال جدی‌تری ایجاد نشود، برای بررسی آن اقدام نمی‌کنند.

با این حال، آسیب‌های دخانیات به ریه محدود نمی‌شود. قلب و عروق نیز از مهمترین بخش‌های بدن هستند که در معرض اثرات زیان‌آور دود سیگار قرار دارند.

مواد شیمیایی موجود در دود می‌توانند به دیواره رگ‌ها آسیب بزنند، عملکرد طبیعی عروق را مختل کنند و احتمال تشکیل لخته خون را افزایش دهند که در نتیجه، خطر بیماری عروق کرونر قلب، سکته قلبی و سکته مغزی افزایش پیدا می‌کند.

در همین خصوص دکتر ناصر سمیعی، متخصص ریه اظهار کرد: بسیاری از بیماران من زمانی مراجعه می‌کنند که دیگر کار از کار گذشته است؛ آن‌ها در اوج سن بازدهی، به دلیل تخریب باقت ریه مجبور به خانه‌نشینی می‌شوند و این یعنی حذف یک نیروی مولد از چرخه اقتصاد کشور که خسارتی جبران‌ناپذیر است.



خانواده‌ای که بدون سیگار کشیدن آسیب می‌بیند

یکی از ابعاد کمتر مورد توجه مصرف دخانیات، تأثیر آن بر افرادی است که خودشان سیگار نمی‌کشند. دود دست‌دوم، اعضای خانواده و اطرافیان مصرف‌کننده را نیز در معرض مواد زیان‌آور قرار می‌دهد.

در خانواده‌هایی که کودکان در کنار فرد سیگاری زندگی می‌کنند، نگرانی‌ها جدی‌تر می‌شود؛ زیرا کودکان ممکن است در معرض افزایش خطر عفونت‌های تنفسی، تشدید آسم و مشکلات دیگر قرار بگیرند.

سازمان جهانی بهداشت تأکید می‌کند که هیچ سطح بی‌خطری برای مواجهه با دود دست‌دوم وجود ندارد.

بنابراین، سیگار کشیدن در اتاق دیگر، کنار پنجره یا در فضای بسته خانه با تصور محافظت از سایر اعضای خانواده، راهکار مطمئنی نیست. ایجاد محیط کاملاً بدون دود در خانه و خودرو، مهمترین اقدام برای محافظت از اعضای خانواده است.

نخستین نخ؛ شروعی که همیشه تفریحی باقی نمی‌ماند

بسیاری از مصرف‌کنندگان، نخستین تجربه سیگار را در جمع دوستان، محیط کار یا موقعیت‌های پراسترس به دست می‌آورند. گاهی شروع مصرف با کنجکاوی است و گاهی فرد تصور می‌کند سیگار می‌تواند به کاهش اضطراب یا تحمل فشارهای روزمره کمک کند.

در ابتدا ممکن است مصرف محدود به مهمانی‌ها یا دورهمی‌ها باشد، اما تکرار این رفتار می‌تواند آن را به بخشی از برنامه روزانه تبدیل کند.

نیکوتین ماده‌ای وابستگی‌آور است و همین ویژگی باعث می‌شود کنار گذاشتن سیگار برای برخی افراد دشوار باشد. فرد ممکن است در آغاز تصور کند هر زمان که بخواهد مصرف را متوقف می‌کند، اما با گذشت زمان، بدن و رفتار روزانه او به دریافت نیکوتین عادت می‌کند.

مجید که به تازگی موفق به ترک سیگار شده، می‌گوید: سال‌ها فکر می‌کردم بدون سیگار نمی‌توانم فکر کنم یا بنویسم، اما حالا که دو ماه است پاک هستم، می‌بینم که تمرکزم بیشتر شده، صبح‌ها با انرژی بیشتری بیدار می‌شوم و مهم‌تر از همه، دیگر شرمنده فرزندانم بابت بوی بد لباسم نیستم.

از سوی دیگر دکتر سجاد علویان، پزشک عمومی و فعال حوزه سلامت همگانی در تشریح آسیب‌های قلبی و عروقی ناشی از نیکوتین عنوان کرد: نیکوتین موجود در سیگار و سایر فرآورده‌های دخانی، بلافاصله پس از مصرف باعث افزایش ضربان قلب و فشار خون می‌شود. این ماده شیمیایی موجب انقباض عروق محیطی شده و غلظت خون را بالا می‌برد که نتیجه مستقیم آن، فشار مضاعف به عضله قلب و تشکیل پلاک‌های چربی در دیواره رگ‌هاست؛ روندی که در نهایت منجر به تصلب شرایین و بروز سکته‌های قلبی زودرس، حتی در افراد زیر ۳۰ سال می‌شود که ما اخیراً نمونه‌های متعددی از آن را مشاهده کرده‌ایم.

علویان، آسیب‌های دخانیات را فراتر از فرد مصرف‌کننده دانست و گفت: ما در مطب‌های خود با کودکانی مواجه هستیم که بدون اینکه لبی به سیگار زده باشند، دچار آسم شدید، عفونت‌های مکرر گوش میانی و کاهش ضریب هوشی هستند، چرا که والدین آن‌ها در محیط خانه دخانیات مصرف می‌کنند. این «دود دست‌دوم» حاوی غلظت بالاتری از مواد سمی نسبت به دودی است که خود سیگاری‌ها استنشاق می‌کنند و ریه حساس کودکان در برابر این نهاجم شیمیایی هیچ دفاعی ندارد، که این مصداق بارز کودک‌آزاری خاموش در کانون خانواده است.

ترک سیگار؛ تصمیمی که به حمایت نیاز دارد

برای فردی که سال‌ها سیگار مصرف کرده، ترک ممکن است با دشواری‌هایی مانند بی‌قراری، تحریک‌پذیری، اختلال خواب، کاهش تمرکز و میل شدید به مصرف همراه باشد. این نشانه‌ها می‌توانند در روزها و هفته‌های ابتدایی ترک بروز کنند و درصورت نبود حمایت مناسب، فرد را به بازگشت به مصرف سوق دهند.

به همین دلیل، توصیه به ترک سیگار نباید تنها به جمله‌هایی مانند «اراده کن» یا «از فردا دیگر نکش» محدود شود.

وابستگی به نیکوتین موضوعی است که می‌توانند به حمایت رفتاری و درمانی نیاز داشته باشد. مشاوره تخصصی، شناسایی موقعیت‌های محرک، تغییر عادت‌های روزانه و درصورت نیاز استفاده از درمان‌های دارویی تأییدشده، از روش‌هایی هستند که می‌توانند احتمال موفقیت در ترک را افزایش دهند. خانواده نیز در این مسیر نقش مهمی دارد. سرزنش، تحقیر و ایجاد تنش معمولاً کمکی به فرد نمی‌کند. در مقابل، همراهی اعضای خانواده، کاهش مواجهه با موقعیت‌های مصرف و تشویق فرد به دریافت کمک تخصصی می‌تواند مسیر ترک را آسان‌تر کند.

از سوی دیگر، ترک سیگار فقط به معنای حذف یک هزینه روزانه نیست. کاهش خطر بیماری‌های قلبی و تنفسی، بهبود کیفیت زندگی، محافظت از اعضای خانواده در برابر دود دست‌دوم و افزایش توانایی جسمی و کاری، از دستاوردهای مهم این تصمیم به شمار می‌روند.

پیشگیری؛ سرمایه‌گذاری برای سلامت و اقتصاد خانواده

دخانیات را باید از دو زاویه هم‌زمان بررسی کرد: هزینه‌ای که امروز از درآمد خانوار کم می‌شود و هزینه‌ای که ممکن است فردا در قالب بیماری، درمان و کاهش توان اقتصادی ظاهر شود.

محاسبه هزینه خرید سیگار نشان می‌دهد حتی مصرف روزانه یک پاکت می‌تواند در پایان سال ده‌ها میلیون تومان از منابع یک خانواده را به خود اختصاص دهد.

در مقیاس ملی نیز گزارش سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهد خسارت اقتصادی دخانیات بسیار فراتر از هزینه خرید محصولات آن است.

در چنین شرایطی، پیشگیری از شروع مصرف در میان نوجوانان و جوانان، اجرای سیاست‌های مؤثر کنترل دخانیات، جلوگیری از مصرف در محیط‌های بسته و فراهم کردن دسترسی به خدمات ترک، باید بخشی از برنامه‌های سلامت عمومی و حمایت اقتصادی از خانواده‌ها باشد.

واقعیت این است که پاکت سیگار فقط قیمت خرید خود را روی بسته‌بندی نشان می‌دهد؛ اما هزینه واقعی آن در سال‌های بعد، در سلامت ریه و قلب، آرامش خانواده، هزینه‌های درمان و فرصت‌های اقتصادی ازدست‌رفته نمایان می‌شود.

شاید مهمترین پرسش این نباشد که یک فرد در ماه چقدر برای سیگار پول می‌پردازد؛ بلکه این باشد که در ازای این هزینه، چه میزان از سلامت و آینده خود و خانواده‌اش را به خطر می‌اندازد.